



Factors Influencing the Formation of the North Atlantic Treaty Organization (NATO) against the Soviet Union from the Perspective of the Theory of Threat Balance

10.30495/PIR.2022.1938896.3339

Jalalpour Hasan¹

Received:2022/04/03

Accepted:2022/07/13

Research Article

Abstract

This paper intends to examine the background to the formation of the North Atlantic Treaty Organization (NATO) against the former Soviet Union on the basis of Stephen Walt's threat balance theory, so the question of this study is that the indicators presented in To what extent is Stephen Walt's theory of threat balance compatible with the factors influencing the formation of the North Atlantic Treaty Organization (NATO) against the former Soviet Union? It is assumed that the indicators mentioned in Walt's Threat Balance Theory have been effective and applicable in the formation of the North Atlantic Treaty Organization (NATO) against the Soviet Union. Stephen Walt. The necessary information has been collected using the library method and by referring to books, articles, and domestic and foreign publications and Internet resources. Findings show that according to Walt's threat balance theory, the mentioned indicators in the formation of alliances (proximity, offensive power, offensive intentions, increase of offensive power) are effective and applicable in the formation of NATO against the former Soviet Union.

Keywords: Balance Theory; NATO Walt; North Atlantic; Treaty Organization; Soviet Union

Jalalpour, H. (2022). Factors Influencing the Formation of the North Atlantic Treaty Organization (NATO) against the Soviet Union from the Perspective of the Theory of Threat Balance. *International And Political Research Quarterly*, 14(51), pp. 59-72.

¹ Ph.D. student of History, Abu Ali Sina University of Hamedan, Hamedan, Iran. hassanjalalpour@yahoo.com

زمینه‌های شکل‌گیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در برابر اتحاد جماهیر شوروی از منظر موازنه تهدید

10.30495/PIR.2022.1938896.3339

حسن جلالپور^۱

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲
--------------	---

چکیده

این نوشتار در نظر دارد تا زمینه‌های شکل‌گیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق بر اساس نظریه موازنه تهدید استفان والت را مورد سنجش قرار دهد، بنابراین سؤال این پژوهش این است که شاخص‌های مطرح شده در نظریه موازنه تهدید استفان والت تا چه اندازه با عوامل مؤثر در شکل‌گیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق قابل تطبیق می‌باشد؟ فرض بر این است که شاخص‌های ذکر شده در نظریه موازنه تهدید والت در شکل‌گیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) علیه اتحاد جماهیر شوروی مؤثر و قابل انطباق بوده است. روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی و در چارچوب نظریه «موازنه تهدید» استفان والت است. اطلاعات لازم با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات، و نشریات داخلی و خارجی و منابع اینترنتی گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بر اساس نظریه موازنه تهدید والت شاخص‌های ذکر شده در شکل‌گیری اتحادها (مجاورت، قدرت تهاجمی، نیت تهاجمی، افزایش قدرت تهاجمی) در شکل‌گیری ناتو علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق مؤثر و قابل تطبیق می‌باشد.

واژگان کلیدی: نظریه موازنه تهدید، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، اتحاد جماهیر شوروی

جلالپور، حسن (۱۴۰۱). زمینه‌های شکل‌گیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در برابر اتحاد جماهیر شوروی از منظر موازنه تهدید. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۱، صفحات ۷۲-۵۹.

مقدمه

جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ با شکست دول محور و پیروزی متفقین پایان یافت. دولت‌های متفق که در طی جنگ جهانی دوم برای شکست دشمن مشترک (آلمان و متحدانش) متحد شده بودند چند ماه قبل از پایان جنگ در کنفرانس یالتا (کریمه) گردهم جمع آمده بودند تا در مورد تقسیم جهان و و غنایم جنگ با هم مذاکره کنند. در واقع کنفرانس یالتا موجب مناقشات زیادی در جهان شد. عده‌ای چون آرتور کنت، نویسنده کتاب «یالتا یا تقسیم جهان»، برآنند که یالتا سبب واگذاری اروپای شرقی به شوروی شد در مقابل، عده‌ای نیز تصمیمات یالتا را تصویب و تثبیت واقعیاتی می‌دانند که از قبل وجود داشت. پی‌یر رونون، هدف ایالات متحده و انگلستان را «نجات اروپا از بلشویسم به وسیله سازش دوستانه» توصیف می‌کنند. هر چند در کنفرانس یالتا هم رسماً سخنی از تقسیم مناطق نفوذ به میان نمی‌آید؛ ولی عملاً روس‌ها بر نیمی از اروپا تسلط یافتند و احزاب طرفدار خود را در اکثریت کشورهای شرق برای بدست آوردن قدرت آماده کردند. بنابراین در دنیای پس از جنگ جهانی دوم دو ایدئولوژی در قالب دو ابرقدرت، ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی که تنها کشورهایی بودند که پس از فروکش کردن آتش جنگ توان ادامه حیات داشته و به رقابت با یکدیگر پرداختند. در این میان یکی از پیمان‌هایی که بلوک غرب در مقابل شوروی برای جلوگیری از نفوذ این کشور به اروپای غربی ایجاد کرد پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بود. فلسفه وجودی ناتو تا قبل از فروپاشی شوروی ایجاد کمربند امنیتی به دور دموکراسی‌های غربی و محاصره ابرقدرت کمونیسم و اعمارش بود، که بعدها در چارچوب پیمان ورشو گردهم آمدند.

در واقع کشورهای اروپای غربی از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹، در حالی که توجه کامل خود را به بازسازی ویرانی‌های جنگ و اقتصاد معطوف کرده بودند، با نگرانی نظاره‌گر سیاست‌های توسعه طلبانه اتحاد جماهیر شوروی بودند. این کشورها که به تعهدات خود بعد از جنگ در زمینه کاهش تاسیسات دفاعی و ترخیص نیروهای نظامی خود عمل کرده بودند، متوجه شدند که رهبران شوروی تصمیم بر حفظ نیروهای خود با تجهیزات کامل را دارند، این هشدار نگران‌کننده برای اروپا بود. لذا به دنبال این اقدامات اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا در پی اتحاد و ائتلاف برای مقابل با اتحاد جماهیر شوروی بودند. بنابراین نگارنده این پژوهش بر این باور است که نظریه موازنه تهدید استفن والت ویژگی‌های لازم را برای توجیه عوامل شکل‌گیری پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را در برابر اتحاد جماهیر شوروی داراست و بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که شکل‌گیری ناتو در برابر اتحاد جماهیر شوروی در چارچوب نظریه موازنه تهدید چگونه قابل توجیه می‌باشد؟ فرض بر این است که با توجه به چهار شاخصه مهم نظریه موازنه تهدید (مجاورت، قدرت تهاجمی، نیات تهاجمی، افزایش قدرت تهاجمی) که با وجود آنها موازنه صورت می‌گیرد، شکل‌گیری پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در برابر اتحاد جماهیر شوروی در چارچوب این نظریه قابل توجیه است. روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و مطالعه موضوع در چارچوب نظریه «موازنه تهدید» است. اطلاعات لازم با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتابها، مقالات، و نشریات داخلی و خارجی و منابع اینترنتی گردآوری شده است. هدف این پژوهش بررسی عوامل موثر در شکل‌گیری ناتو در برابر اتحاد جماهیر شوروی بر اساس نظریه موازنه تهدید می‌باشد.

۱- ادبیات پژوهش

در خصوص پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) کتاب‌ها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده، که هر کدام از این منابع جنبه‌هایی از این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند؛ به عنوان نمونه، سلیمی و عوض زاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری تداوم ناتو پس از جنگ سرد» به تبیین علل شکل‌گیری و تداوم این سازمان در قالب سه نظریه مهم روابط بین‌الملل یعنی واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری پرداخته‌اند. این مقاله در صدد ارائه یک چارچوب نظری تفسیری است که قادر به توضیح کارآمدتری از تداوم ناتو بویژه پس از جنگ سرد می‌باشد. مک‌کالا (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «پایایی ناتو پس از جنگ سرد» این مقاله در ابتدا وضعیت کوتاهی از دوران جنگ سرد و پس از جنگ سرد ناتو را تشریح می‌کند سپس به بیان تئوری اتحاد می‌پردازد و به دنبال آن از سه دیدگاه مختلف (نئورئالیسم، سازمانی، نهادگرایی و بین‌المللی) به بحث در مورد اتحادها بویژه پایداری ناتو پس از جنگ سرد می‌پردازد. و معتقد است بهترین رهیافت برای درک و فهم ناتو پس از جنگ سرد رهیافت نهادگرایی بین‌المللی است. کولای (۱۳۸۶) در کتاب «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی؛ دگرگونی در ماموریتها و کارکردها» معتقد است این سازمان به عنوان نخستین نظام امنیت جمعی پس از پایان

جنگ جهانی دوم در نوع خود بی نظیر بود. نگارنده در این کتاب ضمن بررسی زمینه های شکل گیری ناتو، ماموریتها و کارکردهای آن را در دوران جنگ سرد، چگونگی طی مراحل گذار و بروز تحول در عملکرد این نهاد در دوران بعد از جنگ سرد را تحلیل می کند. مقاله دیگر با عنوان «ناتو، سیستم امنیت دسته جمعی و تحولات آن پس از جنگ سرد» به قلم اعظمی (۱۳۸۱) ناتو را مخلوق جنگ سرد می داند که در مقابل همتای خود (پیمان ورشو) قرار داشت و در واقع هدف از شکل گیری آن محافظت از کشورهای غربی در برابر تهدیدات شوروی سابق بود. صرف تبریزی (۱۳۸۱) در مقاله ای با عنوان «ناتو، گذشته، حال و آینده» در ابتدا به تاریخچه، اهداف و ارکان ناتو پرداخته و سپس استراتژی دفاعی در دوران جنگ سرد را مورد بررسی قرار داده و در پایان سازمان ناتو را پس از فروپاشی بلوک شرق و استراتژی جدید آن را مورد بررسی قرار می دهد. یزدانی، جالینوسی و کریمی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «دلایل گسترش ناتو به خاورمیانه» معتقدند که ناتو قدرتمندترین اتحادیه نظامی سیاسی در طول تاریخ و محور رابطه فرا آتلانتیکی بوده است و به دنبال تغییرات فضای سیاسی- جغرافیایی جهان ناشی از پایان جنگ سرد این سازمان در پی آن بود که از یک سازمان دفاعی صرف به یک سازمان دفاعی- نظامی و امنیتی تبدیل و در سراسر جهان گسترش یابد. امینی و حسین خانی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «نقش ناتو در گسترش جامعه امن اروپای غربی» معتقدند که جامعه امن اروپای غربی آشکارترین و مهمترین جامعه امن در جهان معاصر است. این جامعه امن دارای سه نهاد اصلی است که عبارتند از پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، اتحادیه اروپا و سازمان همکاری و امنیت اروپا. در جامع امن اروپای غربی پیمان آتلانتیک شمالی طلایه دار گسترش است. مرادی (۱۳۸۱) در مقاله ای با عنوان «گسترش ناتو به شرق و پیامدهای امنیتی آن» نگارنده ابتدا تاریخچه و ساختار این سازمان را معرفی می کند و سپس به فلسفه وجودی ناتو و دلایل گسترش آن اشاره خواهد کرد.

لذا جنبه نوآورانه این پژوهش در این است که زمینه های شکل گیری پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را در برابر اتحاد جماهیر شوروی براساس تئوری موازنه تهدید را مورد سنجش قرار می دهد.

۲- چارچوب نظری: موازنه تهدید

استفان والت یکی از شناخته ترین اندیشمندان وابسته به واقع گرایی تدافعی محسوب می شود او موازنه تهدید را به عنوان فرمول بندی مجدد از تئوری موازنه قدرت ارائه کرده است. وی بر این اعتقاد است که امنیت بیشتر از آنکه در برابر قدرت مطرح شود در برابر تهدید مطرح می شود و از تمایز آشکار بین قدرت و تهدید برای پیشبرد رهیافتش استفاده می کند و معتقد است که دولتها در رفتار خود به چیزی فراتر از قدرت توجه دارند، زیرا موازنه قوا به عنوان یک رهیافت نظری نمی تواند توضیح دهد که چرا غالباً ایجاد موازنه ها به شکست انجامیده است. (Walt, 1985: 9)

وی با نقد اصل موازنه قوا و با مطرح نمودن نظریه موازنه تهدید در عمل توانسته است مباحث واقع گرایی را در حوزه امنیتی غنی تر نماید. نقطه محوری مباحث وی در بررسی علت اتحادها و ائتلاف های نظامی با هدف ایجاد موازنه و یا در واکنش به احساس تهدید است. به اعتقاد وی برخلاف آنچه که فکر می شود، کشورها در مقابل افزایش قدرت سایرین دست به موازنه نمی زنند، در مقابل، آنچه باعث حرکت کشورها به سوی توازن می گردد، میزان تهدیدی است که درک می کنند. زمانی که تهدید احساس می شود کشورها یا سعی می کنند در مقابل آن توازن ایجاد کنند یا اینکه به کشوری قدرتمند ملحق می شوند. (Walt, 1987: 110) در این راستا والت بر خلاف تصور پذیرفته شده بر این باور است که کشورها نه بر اساس اصل توازن قوا بلکه بر اساس توازن تهدید عمل می کنند، یعنی تعادل در برابر قدرتها با اتحاد علیه این کشورها ست. والت معتقد است که کشورها نه در مقابل قدرت بلکه در مقابل تهدید دست به توازن زده اند؛ معنای این گفته آن است که کشورها به دنبال توازن دادن به هر قدرتی نیستند بلکه آنها در پی ایجاد توازن در مقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن، تهدید محسوب می شود. (Elman, 2003: 20 و Gangle, 2003: 2) بنابراین مهمترین عامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی کشورها نه شکل توزیع توانایی ها در عرصه بین المللی بلکه میزان تهدید است و اینجاست که والت نظریه خود را تحت عنوان توازن تهدید در مقابل توازن قوا مطرح می کند. بر همین مبنا پروفیسور والت نتیجه می گیرد که تهدیدات دولتها نسبت به یکدیگر می تواند از چهار منبع نشأت بگیرد که عبارتند از: ۱. مجاورت (فاصله جغرافیایی)، ۲. نیت تهاجمی، ۳. قدرت تهاجمی، ۴. افزایش قدرت یا توانایی تهاجمی.

۳- مجاورت (فاصله جغرافیایی)

بر پایه نظریه موازنه تهدید توانایی دولتها برای اعمال قدرت با افزایش فاصله کاهش می یابد در نتیجه دولتهای نزدیکتر نسبت به دولت های دورتر تهدیدآمیزترند. اگر اندازه دیگر منابع دولتها با هم برابر باشد در آن صورت احتمال اینکه دولت ها در واکنش به قدرتهای نزدیک ، به جای واکنش به قدرتهای دوردست، دست به اتحاد بزنند بیشتر است. بنابراین مجاورت جغرافیایی می تواند منجر به ایجاد موازنه یا همراهی از سوی دیگر دولتها شود. (walt,1987:23 و Yale Journal,2010/07/20) و لذا این واقعیت در روابط بین الملل پذیرفته شده که توانایی تهدیدزایی و قدرت نمایی به تناسب فاصله کاهش یا افزایش می یابد. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴)

۴- نیات تهاجمی

بنابر نظریه موازنه تهدید اگر دولتها، دولتی را به عنوان یک دولت تهاجمی و ستیزه جو در نظر بگیرند احتمال بسیاری وجود دارد که علیه آن دست به موازنه بزنند. در این صورت حتی اگر دولتی دارای قابلیت های متوسط و معمولی هم باشد، باز هم ممکن است که دیگران را به موازنه علیه خودش تحریک کند. در واقع برداشتها از نیت دولتها نقشی مهم در انتخاب اتحادها ایفا می کند. (walt,1997:25) والت معتقد است دولتهایی که مقاصد تهاجمی واضحی دارند، نسبت به کسانی که در وهله اول در پی حفظ شرایط موجود هستند، تمایل بیشتری به تحریک قدرتهای رقیب دارند. (Yale Journal,2010/07/20) این مسئله را که والت بیان نموده ؛ بدان معناست که هرچه نیت خصم آلوده بازیگری بیشتر باشد خطر و تهدید نیز به دنبال آن بیشتر است. (دهشیری، ۱۳۹۱: ۲۹۹) لذا میان میزان تهدید و نیات تهاجمی کشورها رابطه مستقیم وجود دارد و هر چه بازیگری نیات تهاجمی بیشتری از خود نشان دهد، تهدید درک شده از وی توسط سایر کشورها به همان اندازه بالا می رود. (مصلى نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

۵- قدرت تهاجمی

دستیابی دولتها به قدرت نظامی بالا و قابلیت های گوناگون سیاسی و اقتصادی آنها را تهدیدزا کرده و خطرهای واقعی یا تصویری را متوجه ثبات و انسجام سیاسی و سرزمینی می کند. (Walt,1990:148) بنابراین اگر دولتی با منابع مادی وسیع به چنین توانمندی تهاجمی دست پیدا کند سایر دولتها به موازنه روی می آورند، البته باید به این نکته توجه کرد که هرگاه دولتی علارغم توانایی دفاعی از سرزمین خود، فاقد قدرت تهاجمی برای حمله به دیگران باشد انگیزه موازنه علیه آن کاهش می یابد زیرا که تهدیدی از جانب آن دولت احساس نمی شود. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۵)

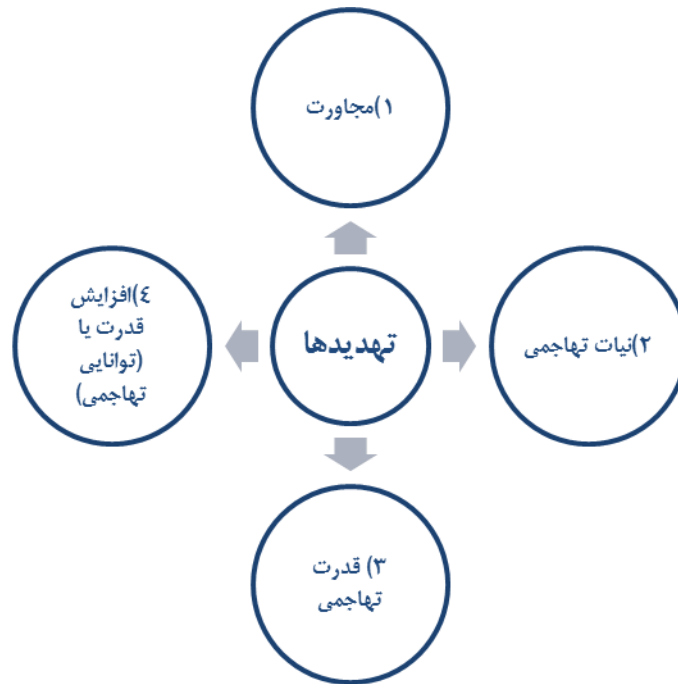
۶- افزایش قدرت یا توانایی تهاجمی

افزایش قدرت تهاجمی؛ شامل منابع کلی تجميع قدرت یک دولت است از جمله: قابلیت های نظامی، جمعیت ، وسعت ، منابع طبیعی و معدنی، توسعه یافتگی صنعتی و تکنولوژی. بنابراین افزایش قدرت یک دولت، دیگر دولتها را به ایجاد موازنه در برابر خویش تحریک خواهد کرد چرا که دیگر دولتها نمی توانند مطمئن باشند که دولت قوی تر از قابلیت برتری خود علیه آنها استفاده نخواهد کرد. بنابراین آنها دست به اتحاد تدافعی می زنند. در مورد توانایی ها باید گفت که هر چه توانایی های کشور تهدید کننده بیشتر باشد میزان تهدید دریافت شده بیشتر است . متغیر های مرتبط با توانایی کشورها نیز آنگونه که ذکر شد؛ شامل جمعیت ، وسعت ، اقتصاد و سایر عوامل ژئوپلیتیک هستند که همیشه از عوامل مهم در ارزیابی قدرت کشورها محسوب می شوند. در زمینه توانایی های تهاجمی باید این نکته را ذکر کرد که بین نیات تهاجمی و میزان تهدید ارتباط مستقیمی وجود دارد به این معنا که هر چه توانایی نظامی و... یک کشور بیشتر باشد میزان نگرانی و تهدید به همان میزان افزایش می یابد.

بنابراین از نظر والت صرف قدرت مهم نیست بلکه سایر عوامل نیز دارای اهمیت هستند. به باور وی آنچه در روابط میان دولتها از اهمیت برخوردار می باشد، درک آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و تنها میزان قدرت هر یک از آنها مورد توجه نیست. به همین منوال دولتها در برابر دولتهایی دست به موازنه می زنند که تهدیدی فوری را متوجه موجودیت یا منافع آنها نکنند. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۵)

لذا والت بر این امر معتقد است که بجای تصور اتحاد صرفاً به عنوان واکنش به تغییر در توازن قدرت، تمرکز بر نحوی واکنش دولتها به تهدیدات مناسب تر است. (Priess, 1996: 147)

نمودار شماره ۱: تهدیدات مورد ارزیابی در نظریه موازنه تهدید



۷- تعمیم نظریه موازنه تهدید در شکل‌گیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)

۷-۱- مجاورت یا فاصله جغرافیایی

با حمله ارتش آلمان به لهستان در سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم شروع شد. در ابتدای جنگ پیروزی با نیروهای متحدین بود؛ اما با حمله آلمان به اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۲ و ورود ایالات متحده آمریکا به جنگ برگه جنگ به نفع نیروهای متفقین برگشت. پس از نبرد استالینگراد (۱۹۴۲-۱۹۴۳) پیروزی شوروی در جنگ با قوای هیتلر، کاملاً آشکار شد و این مشکل که اروپای بعد از جنگ چگونه بین قدرت‌ها تقسیم شود اسباب نگرانی شده و زمینه‌های تهدید را در روابط متفقین فراهم ساخت.

نقشه جغرافیای سیاسی و مرزهای اروپا پیش از سال ۱۹۹۱ میلادی، در کنفرانس یالتا در فوریه ۱۹۴۵ پس از یک هفته مذاکره میان سران کشورهای فاتح (روزولت، استالین و چرچیل) ترسیم شد و اروپا به صورت کنونی تقسیم گردید. (صرافی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱) اتحاد جماهیر شوروی از جنگ جهانی دوم علی‌رغم تلفات فراوان جانی و مالی، قدرت و توانش افزایش یافت، در مقابل ایالات متحده آمریکا تقریباً دور از جنگ قرار داشت و بزرگ‌ترین قدرت صنعتی جهان پس از جنگ بود و با حمله اتمی به ژاپن اقتدارش را به جهان نشان داد. هنگامی که استالین رهبر شوروی از برقراری انتخابات آزاد در قلمرو اشغالش در اروپای شرقی امتناع ورزید و ترومن رهبر آمریکا دکترین خود را اعلام کرد جنگ سرد با تسلط بر اروپا و امور جهان کانون توجه قرار گرفت.

شروع جنگ سرد اغلب با شوروی کردن اروپای شرقی، محاصره کردن برلین و سیاست تهدید نفوذ کمونیسم ارتباط دارد، سخن چرچیل درباره پرده آهنین که در مارس ۱۹۴۶ بر زبان جاری ساخت به راحتی به عنوان اولین ظهور جنگ سرد قابل درک است. (Lorilyn, 2001: 2, vol: 1 و Delmas, ۱۹۶۱: ۲۱ و دادز ۲۱: ۱۳۹۰) شوروی در قبال نفوذ آمریکا در ژاپن و اروپای غربی مناطق اروپای شرقی و بخش شرقی آلمان را اشغال کرد (ذوالنوری و پروانه، ۱۳۹۶: ۱۰۸) در واقع شوروی به دنبال ایجاد حریم امنیت نظامی در برابر غرب بود و قصد داشت بین مناطق نفوذ خود و کشورهای سرمایه داری یک پرده آهنین و نفوذ ناپذیری بوجود آورد. لذا با پایان جنگ جهانی دوم کشورهای اروپای شرقی به صورت کشورهاییی در حوزه نفوذ شوروی درآمدند. شوروی که دو تجاوز (جنگ جهانی اول و دوم) از طرف مرزهای غربیاش را تجربه کرده بود، با جدیت به دنبال ایجاد منطقه ای امن برای جلوگیری از تهاجم احتمالی دیگر

به سرزمینهایش از طرف قدرتهای غربی بود. (اتوا و دیگران، ۱۳۸۰) چون، حتی چرچیل در سخنرانی مشهور خود، قبل از طرح پرده آهنین، می گوید: ما متوجه هستیم که روسیه نیازمند امنیت در تمام سرحدات غربی خود از طریق رفع همه احتمالات تجاوز آلمان است. (فلنیت، ۱۳۹۰: ۳۶)

به نظر استالین، در آلمان مبارزه بین سوسیالیسم و سرمایه داری حاکم بود و تنها آلمانی می توانست بیخطر باشد که الگوهای سیاسی و اجتماعی پیشین آن دگرگون شده باشد و به قدرت گذشته بر نگردد. (فونتن، ۱۳۶۴: ۳۹۲) نزدیکی هر چه بیشتر سه دولت انگلیس، فرانسه و ایالات متحده آمریکا در اداره امور آلمان، روسها را بر آن داشت تا در مورد آلمان سیاستی متفاوت تر از گذشته، با دول غربی در پیش گیرند. روسها در آوریل ۱۹۴۸ کلیه ارتباطات زمینی برلین را قطع کردند، تا بدین وسیله از وحدت اقتصادی و اداری آلمان جلوگیری کنند و در نهایت دول غربی را وادار به واگذاری برلن غربی نمایند. در عوض دول غربی طی چندین ماه با عملیاتی وسیع و پر سر و صدا از طریق هوا کمک های غذایی و سوختی فراوانی به برلین غربی رساندند. محاصره برلین توسط روسها شش ماه طول کشید و چون از آن سودی نبردند از محاصره آن شهر دست برداشتند (مجله ایرانی روابط بین الملل، بی تا) سرانجام شورای نظارت چهارجانبه تشکیل شد و دو شهرداری در بخش غربی و شرقی برلین به کار پرداخت. دولتهای غربی ظرف یکسال در ۱۹۴۹ جمهوری فدرال آلمان را به وجود آوردند. در انتخاباتی که صورت گرفت، و ماه بعد منطقه اشغالی شوروی هم جمهوری دمکراتیک آلمان را در اکتبر ۱۹۴۹ بنیاد گذاشت. (ذالنوری و پروانه، ۱۳۹۶: ۱۰۹) بنابراین تقریباً تا اواخر جنگ سرد روابط رسمی بین اتحاد جماهیر شوروی و جوامع اروپایی وجود نداشت و مقامات اتحاد جماهیر شوروی جوامع اروپایی را شریک ناتو و رقیب ایدئولوژیک خود می دانستند. از سوی بحران برلین سبب تشویق اروپای غربی در جهت تجدید قوا شد و با تشکیل ناتو، اقتدار کشورهای اروپا در ترکیبات جدید شکل بهتری یافت.

در این میان بر اثر فرار مردم برلین شرقی به برلین غربی از سال ۱۹۶۱ به بعد به ابتکار خروشچف با همکاری مقامات کمونیستی آلمان شرقی دیواری بین دو بخش برلین ایجاد کردند. (غفاریان، ۱۳۷۳: ۶) بنابراین نزدیکی شوروی به عنوان ابرقدرت شرق به مرزهای اروپای غربی و دخالت در اروپای شرقی و عدم امکان دفاع مستقل اروپا در برابر نفوذ کمونیسم از یک سو و احساس تهدید نظامی و ایدئولوژی بلوک شرق از سوی دیگر باعث اتحاد آنها و تشکیل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای مقابله با شوروی و متحدانش گردید. لذا هرچه فاصله جغرافیایی نزدیک تر باشد تهدیدات می تواند بیشتر باشد و هر چه فاصله جغرافیایی بیشتر باشد احساس تهدیدات کمتر خواهد بود.

۲-۷- نیات تهاجمی

متغیر نیات تهاجمی به عنوان بخشی دیگر از نظریه والت رویکرد معناگرایانه را به ذهن متبادر می سازد و این خود باعث احساس نگرانی از نیت های تهاجمی کشور تهدید کننده می شود. با پایان جنگ جهانی دوم شوروی که بهای سنگینی برای شکست آلمان نازی پرداخته بود می خواست یک بازیگر درجه یک بین المللی باشد و به همین جهت به دنبال مناطق نفوذ در سرزمین های حائل می گشت. (Crochtt, 1994: 79-82) از طرفی به دنبال پایان جنگ جهانی دوم برای رهبران آمریکا پرواضح گشت صحنه جهانی بشدت متفاوت گشته است و برای اولین بار شوروی به مطرح ترین بازیگر جهان تبدیل شد و درصدد اشاعه ارزش های کمونیسم که از نقطه نظر رهبران این کشور معیار منافع ملی بودند برآمد. (خورشیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۱) استالین در یک سخنرانی در فوریه ۱۹۴۶ در مسکو تاکید کرد که نظام های سرمایه داری و سوسیالیسم آشتی ناپذیرند. رهبر شوروی در این سخنرانی اعلام کرد که جهان غرب برای کنترل بازارهای خارجی و مواد خام دست به جنگی دیگر خواهد زد. وی معتقد بود تنها راه جلوگیری از یک جنگ جدید ایجاد یک نظام سوسیالیستی بین المللی است. همین سخنان استالین بدبینی آمریکایی ها و متحدانش را به دنبال داشت. (شولزینگر، ۱۳۷۹: ۳۶۴) در این میان افرادی همچون جورج کنان کاردار آمریکا در مسکو، شوروی را به عنوان قدرتی که به لحاظ تاریخی و جغرافیایی و به لحاظ نیازهای مشخص و آشکار مصمم به توسعه و گسترش دائم است، عنوان نمود و استدلال می کرد که ماهیت شوروی به گونه ای است که نمی توان هیچ کاری درباره آن انجام داد و ایدئولوژیستان، کشور شوروی را که ذاتاً توسعه طلب است، به وجود آورده است لذا دید

و برداشت کنان بر محاصره شوروی (استراتژی سد نفوذ) و ضدیت با ارزشهای کمونیستی در دولت ترومن به طور گسترده ای منتشر شد.

بنابراین آمریکا سیاست سد نفوذ را در برابر نیات تهاجمی شوروی در پیش گرفت و کوشید از طریق پیمان های دفاعی متعدد مانند ناتو، بغداد (ستو) و سیتو حلقه محاصره به دور شوروی را تنگ کرده و از این طریق آن کشور را کنترل کند. (Bailey, 1956: 426-8) در واقع سیاست سد نفوذ به وسیله آمریکا، واکنشی به قدرتمندی شوروی بعد از اضمحلال نظام چند قطبی بود بنابراین آمریکا در راستای ایجاد صلح نظامی تدوین سیاست سد نفوذ شوروی را مطلوب ترین شیوه تشخیص داد. (دهشیری، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

۳-۷- قدرت تهاجمی

اتحاد جماهیر شوروی زمانی به عنوان دومین قدرت جهانی محسوب می شد و به دنبال پایان جنگ جهانی دوم این کشور به عنوان یک ابرقدرت و رهبر بلوک شرق مطرح گردید. اگرچه برخی معتقدند که شوروی یک ابرقدرت تک بعدی (نظامی) بود ولی باید گفت که هیچ دولتی نمی تواند از لحاظ ترکیب اندازه، پیچیدگی، فرماندهی و کنترل نیروهای مسلح خود با اتحاد جماهیر شوروی رقابت نماید. در واقع باید گفت شاخص های فیزیکی به تنهایی موید قدرت نظامی این کشور بود.

بنابراین مهمترین عنصر قدرت در نظام شوروی قدرت نظامی و در راس آن قدرت نظامی سلاح های هسته ای و موشک های بالستیک آن بود (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۳) نیروی زمینی شوروی مرکب از بیش از ۲۰۰ لشکر تمام مکانیزه بوده و دارای بیش از ۵۳ هزار تانک رزمی (یکی از این تانک ها، تانک لیزری ۱۷K۱ Szhatie با وزن ۴۱ تن به پیشرانه دیزلی -A۸۴V که توانایی تولید ۸۴۰ اسب بخار نیرو را داشت مجهز بود. این تانک برای از بین بردن تجهیزات الکترونیکی و اپتیکال مورد استفاده توسط موشک ها، خودروها و هواپیماهای آمریکایی و ناتو طراحی شده بود، اما عنصر ضد موشکی از بیشترین اهمیت برخوردار بود. (سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۴۰۰) ۴۸ هزار دستگاه توپ، خمپاره انداز و موشک انداز، ۶۷۰۰ موشک زمین به هوا و ۴۵۰۰ هلی کوپتر می باشد. علاوه بر این نیروی هوایی شوروی دارای ۴۹۰۰ هواپیمای تاکتیکی، ۹۰۰۰ سکوی موشک انداز و ۱۰ هزار دستگاه هشدار دهنده و سیستم های تجسس بود. بعلاوه نیروی دریایی شوروی دارای ۲۶۰ فروند زیر دریایی تهاجمی و کل نیروی هسته ای استراتژیک شوروی با ۱۴۱۸ موشک قاره پیما یکی از قوی ترین ارتش های جهان قلمداد می شد. پایگاه ارتش شوروی از لحاظ نیروی انسانی شامل بیش از ۵ میلیون نفر در حال خدمت فعال و یک ذخیره ۵۵ میلیون نفری می باشد. (ادام، ۱۳۶۸: ۱۶) در کنار نیروی زمینی، نیروی هوایی شوروی هم یکی از قویترین نیروهای آن زمان بود، به عنوان نمونه، یکی از موفق ترین بمب افکن های شوروی توپولوف تو-۹۵ بود، شهرت منحصر به فرد آن بیشتر در ارتباط با سرعت مافوق صوت آن بود علاوه بر این در سال ۱۹۴۹ نخستین بمب افکن بین قاره ای تحت عنوان تو-۸۵ ساخت اتحاد جماهیر شوروی تولید شد مهمترین ویژگی این بمب افکن افزایش برد پرواز بدون نیاز به سوخت گیری مجددا تا ۸۰۰۰ کیلومتر به منظور تهدید قابلیت های نظامی آمریکا و توانایی حمل ۱۱۰۰۰ کیلوگرم بار بود. (<http://www.gunsmonitor.com/9038>) از دیگر هواپیماهای ساخت شوروی که غرب را به چالش می کشید سوخو-۲۷ بود اوآن گوتسمن، مفسر نشنال اینترست می نویسد: جنگنده سوخو-۲۷ (Flanker-B) به نوبه خود واکنش شوروی به هواپیماهای جدید آمریکایی مانند F-۱۵ و F-۱۶ است. این جنگنده اتحاد جماهیر شوروی از لحاظ خصوصیات مختلفی از رقبای خود در ناتو پیشی گرفت. علاوه بر این میگ ۲۹ ساخت شوروی نشان داده است که نسبت به F-۱۶ چابک تر است. (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۸/۷/۱۸) علاوه بر این شوروی دارای هواپیمای نامرئی بنام (Kozlov PS) بود مزیت این هواپیما آن بود که لایه ای که روی آن کشیده شده بود رنگ خاک و آسمان را به خود می گرفت و امکان مشاهده آن از روی زمین وجود نداشت (<http://www.gunsmonitor.com/۶۷۴۴>) در کنار نیروی هوایی، نیروی دریایی شوروی نیز بازوی دریایی نیروهای مسلح شوروی محسوب می شدند. این نیرو نقش کلیدی در پیمان ورشو در مقابل پیمان ناتو بازی می کرد بدین گونه که در صورت بروز یک جنگ احتمالی میان بلوک غرب و شرق از انتقال نیرو از آمریکای شمالی به اروپای غربی جلوگیری می کرد. این نیرو به چهار ناوگان بزرگ تقسیم می شد: ناوگان شمالی، ناوگان اقیانوس آرام، ناوگان دریای سیاه و ناوگان بالتیک. (ویکی پدیا) نیروی دریایی شوروی همچنین چندین رزم ناو بسیار بزرگ برای پرتاب

موشک‌های هدایت شونده ساخت. تا دهه ۱۹۷۰ تکنولوژی زیردریایی‌های شوروی از بعضی جهات پیشرفته تر از زیردریایی‌های غربی بود و چندین نوع آن برتر از رقبای آمریکایی در نظر گرفته می‌شد. (ویکی پدیا، ۱۹۸۲، Moore)

در کنار این تجهیزات و ادوات نظامی، چهار سال پس از دست‌یابی آمریکا به سلاح هسته‌ای (۱۹۴۵) اتحاد جماهیر شوروی نیز در سال ۱۹۴۹ اولین آزمایش اتمی خود را با موفقیت انجام داد و غرب را در وحشت فرو برد. پس از آن در سال ۱۹۵۹ شروع به ساخت سلاح هیدروژنی کرد که این بمب را در غرب به خاطر ابعاد و قدرت عظیمی که داشته بمب تزار نامیدند. (ایسنا، ۱۳۹۶) این بمب عملکرد انفجاری بین ۵۰ تا ۶۰ مگاتن داشت و قدرت آن ۱۵۰۰ برابر بیشتر از تمام بمب‌های محاسبه می‌شد که روی دو شهر هیروشیما و ناکازاکی سقوط کرد و البته ۱۰ برابر از تمام بمب‌های منفجر شده در جنگ جهانی دوم قوی‌تر بود. یکی دیگر از سلاح‌های مهم شوروی تانک (object 279) بود این تانک قدرتمند در برابر انفجار هسته‌ای هم مقاومت می‌کرد و روی هر زمینی قادر به حرکت بود مزیت این تانک این بود که جان سرنشینانش تحت هر شرایطی حفظ می‌شد. یکی دیگر از سلاح‌های نامتعارف شوروی قایق‌های پرنده بود که نه درست مانند یک هواپیمای کامل به نظر می‌رسید و نه مشابه قایق بود که آنها را اکرانوپلان‌ها می‌نامیدند. (<http://www.gunsmonitor.com/16726>) از سوی محصولات نظامی شوروی سهم قابل توجهی در تولید صنعتی به خود اختصاص داده بودند و به لطف قدرت نظامی بالا، اتحاد جماهیر شوروی می‌توانسته در صورت لزوم به ایالات متحده فشار بیاورد. (اسپوتنیک، ۲۰۱۹) این نیروها نه تنها نیروهای ایالات متحده را تحت الشعاع قرار می‌دادند بلکه از مجموع نیروهای موجود در چارچوب ساختار اتحاد غرب فراتر می‌رفت، در واقع همین تجهیزات و قدرت نظامی شوروی باعث ترس قدرتهای غربی از قدرت تهاجمی شوروی می‌شد.

۴-۷- افزایش توانایی تهاجمی

از نظر دانشمندانی همچون مورگنتا عوامل چندی شالوده اصلی قدرت را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: موقعیت جغرافیایی، جمعیت، وسعت، منابع طبیعی، آمادگی نظامی و... (کاظمی، ۱۳۶۹: ۶۷ و Goldstein, ۱۹۹۹: ۵) در این میان کشور اتحاد جماهیر شوروی به لحاظ مولفه‌ای قدرت عوامل بسیار مهمی را دارا بود که این عوامل در شکل‌گیری توانایی تهاجمی بسیار موثر بوده و باعث احساس خطر از سوی رقبایش می‌شد.

اتحاد جماهیر شوروی با جمعیتی حدوداً ۲۷۳ میلیون نفر (امیراحمدی، ۱۳۶۸: ۵۴) و مساحت ۲۲۴۰۲۲۰۰ کیلومتر مربع یک ششم سطح زمین را شامل می‌شد و همین باعث می‌شد که لقب پهناورترین کشور جهان را بگیرد. از شرق تا غرب اتحاد جماهیر شوروی بیش از ۱۰ هزار کیلومتر مسافت بود و طول مرزهای این کشور به بیش از ۶۰ هزار کیلومتر می‌رسید. (ویکی پدیا) بطور کلی وسعت زیاد در قدرت کشورها تاثیر مثبت دارد. وسعت زیاد یک کشور، با این تصور که از نظر آب و هوا و منابع طبیعی دارای تنوع بیشتری است و از نظر دفاعی و نظامی نسبت به کشورهای کم وسعت، برتری دارد به عنوان عامل قدرت مطرح می‌شود. (میرحیدر، ۱۳۷۵: ۱۰۶) چرا که تنوع آب و هوایی توانایی کشورها را در رفع نیازمندی‌های اولیه اش افزایش می‌دهد و به عبارتی ضریب امنیت اقتصادی آن کشور را افزایش می‌دهد و از نظر نظامی نیز نوعی ایمنی ایجاد می‌کند؛ زیرا تصرف و تسلط بر آن مشکل است.

بنابراین وسعت سرزمین شوروی دو مزیت را برای شوروی به دنبال داشت که نخست آن کشور از منابع طبیعی و زیرزمینی و انرژی فراوانی برخوردار می‌شد. بطوری که طبق آمار سال ۱۹۷۶ در تولید بسیاری از فلزات مقام‌های برجسته‌ای را در جهان احراز کرده است. (ثقفی عامری، ۱۳۶۶: ۵۱۰) و دوم اینکه وجود عمق قابل ملاحظه سرزمین مانع آن می‌گردد که هنگامی که شوروی مورد تهاجم خارجی قرار گیرد دشمن بتواند سرزمین آن کشور را به آسانی و به طور کامل به تصرف خود در آورد. (ثقفی عامری، ۱۳۶۶: ۵۱۱) از سوی اتحاد جماهیر شوروی به علت وسعت زیادش به دریاها و اقیانوس‌های بسیاری دسترسی داشت که این خود بر قدرت ملی شوروی و مانورش در مقابل رقبایش می‌افزود.

همچنین شوروی به علت تکنولوژی بالایی که در مسائل نظامی و فضایی داشت خود باعث وحشت آمریکا و متحدانش گردیده بود. در دوران جنگ سرد رقابت فضایی بین شوروی از یک طرف و آمریکا و متحدانش از سوی دیگر شروع شد این رقابت با ارسال ماهواره (اسپوتنیک ۱) نخستین ماهواره فضایی جهان از سوی شوروی شروع شد این ماهواره نخستین ماه مصنوعی زمین بود که در

مدار نزدیک زمین قرار می‌گرفت و پس از آن نخستین انسان بنام یوری گاگارین با (وستوک ۱) در سال ۱۹۶۱ به سوی فضا پرتاب شد.

یکی دیگر از منابع قدرت اتحاد جماهیر شوروی منابع نفت و گاز و زغال سنگ بود، اتحاد جماهیر شوروی با تولید روزانه ۱۲/۷ میلیون بشکه نفت در سال اولین تولید کننده نفت در جهان بود ذخایر اثبات شده و قابل استحصال نفت در اتحاد جماهیر شوروی بیش از ۶۰ میلیارد بشکه بود به لحاظ منابع گاز نیز شوروی با ۳۸ درصد کل گاز جهان مهمترین ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار داشت (محمدی، ۱۳۶۸: ۴-۵) در کنار منابع نفت و گاز، این کشور دارای ذخایر عظیمی از زغال سنگ (۶ درصد)، منگنز، جیوه، پتاس، بوکسیت، مس، طلا، اورانیوم و...بعلاوه ۲۵ درصد از جنگلهای جهان در این کشور قرار دارد، (غازی، ۱۳۷۰: ۹۵) که همه این عوامل در افزایش قدرت اتحاد جماهیر شوروی بسیار تاثیرگذار بود.

جدول شماره ۱: منابع معدنی اتحاد جماهیر شوروی

نام محصول	درصد تولید شوروی نسبت به کل تولید در جهان	مقام شوروی در میان تولید کنندگان عمده در جهان
نقره	۱۴/۱۳	۱
سنگ آهن	۴۹/۶	۱
طلا	-	۲
الماس	۲۵/۹۸	۲
مس	۱۴/۱	۲
روی	۱۳	۲
سرب	۱۴/۱	۲
کروم	۲۱/۸	۲
نیکل	۱۹/۹	۲
بوکسیت	۶/۲	۴
آنتیموان	۱۱	۴

منبع (ثقفی، ۱۳۶۶: ۵۱۰)

۸- پیامدهای شکل‌گیری ناتو

۸-۱- مسابقه تسلیحاتی

مسابقه تسلیحاتی در کاربرد کلاسیک به معنای رقابت بین دو یا چند گروه بر سر مالکیت بهترین نیروهای رزمی است. در این فرایند هر طرف تلاش می‌کند تا تعداد بیشتری سلاح، اندازه بزرگتری ارتش یا سطح بالاتری از تکنولوژی نظامی را کسب کند. بنابراین یکی از پیامدهای مهم شکل‌گیری ناتو شروع مسابقه تسلیحاتی بین آمریکا و متحدانش در مقابل اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. البته شروع این رقابت تسلیحاتی در واقع قبل از پایان جنگ جهانی دوم بود، چرا که با دستیابی آمریکا به سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۴۵ و حمله به ژاپن و شکست این کشور، اتحاد جماهیر شوروی سابق برای اینکه بتواند پس از پایان جنگ خود را به عنوان یک ابر قدرت در مقابله آمریکا مطرح کند، در تلاشی برای دست‌یابی به سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۴۹ به این مهم دست یافت و از این زمان در واقع مسابقه تسلیحاتی بین شوروی از یک طرف و آمریکا متحدانش (اعضای ناتو) از طرف دیگر شروع شد و این رقابت تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق (۱۹۹۱) ادامه داشت. مقایسه‌ی تعداد کلاهک‌های اتمی ایالات متحده با شوروی نشان می‌دهد که در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، شوروی به مجموع ۴۵ هزار کلاهک رسیده بود در حالی که ایالات متحده چیزی در حدود ۲۵ هزار کلاهک داشت. (مشرق نیوز، ۱۳۹۲) اگرچه در مقطعی این رقابت به تنش‌زدایی منجر می‌شد؛ مثل پیمانهای سالت و استارت اما این سیاست از سوی دو طرف

درگیر رقابت موقتی بود، بگونه ای که حتی پس از فروپاشی شوروی باز هم این رقابت تسلیحاتی بین روسیه و آمریکا با شدت کمتری ادامه دارد.

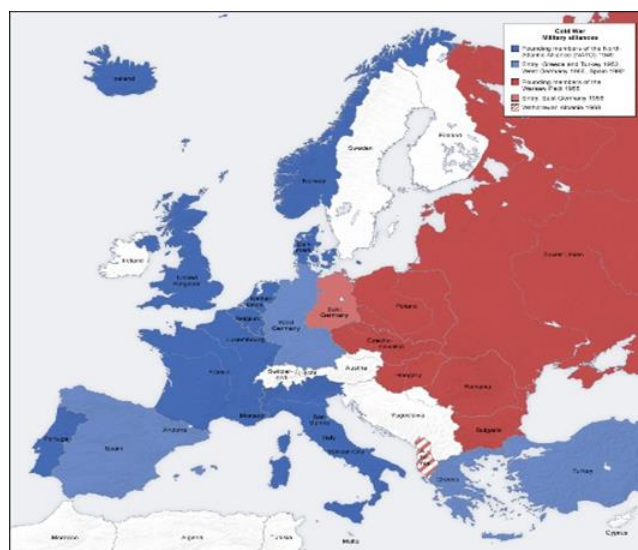
۲-۸- حضور قدرتهای فرا منطقه ای در اروپای غربی (آمریکا)

با پایان جنگ جهانی دوم اروپا با ارتشی منهدم شده و اقتصادی ویران نیاز به کمک های اقتصادی و امنیتی آمریکا داشت تا هم بتواند خود را در مقابل تهاجمات احتمالی شوروی مورد حمایت آمریکا قرار دهد و هم بتواند اقتصاد ویرانش را مجدداً باز سازی کند لذا با طرح هایی مثل طرح مارشال و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) همراهی کرد.

در این میان ایالات متحده آمریکا به خاطر دوری از صحنه نبرد کمترین صدمه را دید و تنها قدرت بزرگی بود که از نظر اقتصادی وضع مطلوبی داشت. بنابراین شروع به سرمایه گذاری در اروپا کرد تا از یک سو باعث جذب سرمایه های مازاد آمریکا در یک منطقه پر سود شود و از سوی دیگر اقتصاد این کشورها را به نحوی بیسابقه ای به اقتصاد آمریکا پیوند می زد. لذا اکثر کشورهای اروپای غربی با آغوش باز کمک های اقتصادی آمریکا را پذیرفتند. از سوی دیگر کشورهای اروپای غربی به منظور ایجاد توازن در برابر بلوک شرق مجموعه ناتو به رهبری آمریکا را پذیرفتند.

درواقع باید گفت ناتو به عنوان یک نهاد چند منظوره از ابتدای تأسیس با مدیریت و هدایت امریکا و برای تأمین منافع آن کشور شکل گرفت، تحت کنترل و با سرمایه گذاری این کشور تداوم یافته و ابزار مناسبی برای اعمال سیاستهای امریکا در قاره اروپا تلقی می شود. این نهاد، سیاست کشورهای اروپایی را تحت تأثیر قرار داده و از ظهور قدرتهای سلطه جو در اروپا جلوگیری می کند.

بنابراین می توان گفت طرح مارشال با هبه اقتصاد سرمایه داری به اروپای غربی نه تنها موجب تسلط اقتصادی آمریکا و سلطه دلار بر قاره سبز شد، بلکه آمریکا در عوض کمک های مالی اجازه ایجاد پایگاه های نظامی در اروپا پیدا کرده و عملاً با تسلط اقتصادی و نظامی، اروپا زیر چکمه های آمریکا قرار گرفت. از طرفی طرح پیمان آتلانتیک شمالی موسوم به ناتو در سال ۱۹۴۹ در واشینگتن به تصویب رسید و با توجه به اینکه ۷۰ درصد بودجه این ارتش توسط آمریکا تأمین می شود، ناتو تحت سیطره و نفوذ آمریکا قرار گرفت. مقر ناتو در بروکسل، مرکز اتحادیه اروپا می باشد و سبب شده است آمریکا در وسط اروپا، حضور نظامی چشمگیری داشته باشد. آمریکا در حال حاضر، ۲۷۰ پایگاه نظامی در آلمان، ۸۳ پایگاه نظامی در ایتالیا و در اسپانیا، پرتغال، هلند، انگلیس، فرانسه، بلژیک هم حداقل یک پایگاه دارد. (قریشی، ۱۳۹۷) در واقع ایجاد پایگاه های نظامی در اروپای غربی با هدف مقابله با کمونیسم در دوران جنگ سرد و جابجایی برخی از این پایگاهها به مرزهای اروپای شرقی برای مقابله با تهدیدات جدید روسیه در شرق اروپا می باشد. در نتیجه اروپا در حوزه اقتصادی و نظامی و به تبع در حوزه سیاسی هم وابسته به آمریکاست.



«تقابل شرق با غرب و آغاز جنگ سرد بلافاصله بعد از اتمام جنگ جهانی دوم»

۹- نتیجه

براساس نظریه والت، پیمان‌ها و اتحادیه‌ها در یک منطقه علیه یک یا چند قدرت بر اساس شاخصه‌هایی شکل می‌گیرند که در این پژوهش این شاخص‌ها (مجاورت، نیت تهاجمی، قدرت تهاجمی، افزایش قدرت تهاجمی) در مورد شکل‌گیری ناتو علیه اتحاد جماهیر شوروی مورد سنجش قرار گرفته است.

اولین شاخصه در نظریه موازنه تهدید، مجاورت یا نزدیکی جغرافیای است که در شکل‌گیری ناتو علیه اتحاد جماهیر شوروی موثر بود، چرا که با پایان جنگ جهانی دوم و شکست دول محور، شوروی به مرزهای بلوک غرب نزدیک شده بود و این امر باعث احساس خطر از سوی کشورهای اروپایی و آمریکا شده بود که منافع آنها از سوی شوروی تهدید می‌شد به گونه‌ای که منجر به تقسیم آلمان به دو کشور آلمان شرقی همراه با بلوک شرق و آلمان غربی همراه با بلوک غرب و نماد آن ایجاد دیوار برلین بود. دومین شاخصه تشکیل اتحاد میان کشورها، داشتن نیت تهاجمی می‌باشد، اتحاد جماهیر شوروی به خاطر تلفات بسیار در جنگ جهانی دوم می‌خواست یک قدرت درجه اول در جهان محسوب شود و معتقد به آشتی سوسیالیسم و نظام سرمایه‌داری نبود و با توجه به نفوذ شوروی در کشورهای اروپای شرقی و تاثیر پذیری این کشورها در اقتصاد و سیاست از شوروی، لذا این امر نگرانی کشورهای بلوک غرب را از نیت تهاجمی شوروی و نفوذ کمونیزم در اروپا بیشتر می‌کرد (ذهنیت نسبت به توسعه طلبی شوروی). سومین شاخصه مورد نظر والت در اتحاد میان کشورها قدرت تهاجمی می‌باشد، قدرت شوروی پس از جنگ جهانی دوم علاوه بر تلفات ناشی از جنگ افزایش یافت و توانست خود را به عنوان یکی از ابرقدرتهای جهان مطرح کند بخصوص به دنبال دستیابی آمریکا به سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۴۵ چهار سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۹ شوروی هم به این سلاح دست یافت و این افزایش قدرت نظامی شوروی باعث نگرانی غرب و آمریکا شد دقیقاً سال تشکیل ناتو سال ۱۹۴۹ می‌باشد. از طرفی شوروی در ساخت تجهیزات و ادوات نظامی و همچنین قدرت هوایی، دریایی و زمینی به موفقیت‌های زیادی دست یافته بود و پیشرفت‌های نظامی غرب را به چالش می‌کشید. چهارمین شاخصه مورد نظر والت در ایجاد اتحادها، افزایش توان تهاجمی کشورهاست. در مورد افزایش قدرت تهاجمی کشورها باید گفت اتحاد جماهیر شوروی با معیارهای ذکر شده در مورد قدرت کشورها (جمعیت، وسعت، منابع معدنی، موقعیت جغرافیایی، آب و هوای متنوع، قدرت هسته‌ای و...) با توجه به برخورداری از موقعیت جغرافیایی مناسب، جمعیت و وسعت بیشتر همچنین داشتن منابع مناسب معدنی از قدرت بیشتری نسبت به رقبای خود برخوردار بودند که این خود سبب نگرانی کشورهای رقیب و ایجاد اتحاد بر علیه شوروی می‌شد.

منابع

- آدام، ویلیام (۱۳۳۸)، «دکترین نظامی شوروی»، ترجمه علیرضا طیب، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۹، صص ۲۳-۱۵.
- اتوا، ژ. و همکاران. (۱۳۸۰) اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه م. ر. حافظ نیا و ه. نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- «از تسلیحات نامتعارف شوروی تا پرنده‌ای عجیب که در ساحل به دام افتاده است!»، (بی تا)، آدرس: <http://www.gunsmonitor.com/16726>
- اسپوتنیک، (۲۰۱۹/۱۱/۲۸)، «قدرت اتحاد جماهیر شوروی در عصر مدرن»، آدرس: <https://ir.sputniknews.com/russia/201911285521173>
- ایسنا (۱۳۹۶/۶/۷)، «شوروی ۶۸ سال پیش اولین سلاح هسته‌ای خود را آزمایش کرد»، آدرس: <https://www.isna.ir/news/۹۶۰۶۰۷۰۳۹۶۲>
- امیر احمدی، بهرام (۱۳۳۸)، «جمعیت شوروی»، رشد آموزش جغرافیا، ش ۱۷، صص ۵۵-۵۴.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۶۶)، «بررسی اجمالی موقعیت استراتژیکی و سیاست خارجی شوروی»، مجله سیاست خارجی، ش ۳، صص ۵۳۸-۵۰۹.

- خورشیدی، ناصر، یوسفی جویباری، محمد و کریمی، سعید (۱۳۹۶)، «مبانی تاریخی و نظری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا» پژوهشنامه تاریخ، سال ۱۲، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۶.
- دادز، کلاوز (۱۳۹۰)، مقدمه ای بسیار کوتاه بر ژئوپلیتیک، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و محمد زهدی گهرپور، تهران، نشر سهره.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، تهران: نشر قومس.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۱)، سیاست خارجی آمریکا در تئوری و عمل، چاپ اول، تهران:
- دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۸/۷/۱۸)، «غرب نگران از نیروی هوایی پیشرفته روسیه»، آدرس: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1986764>
- ذوالنوری، سیدفرزاد و پروانه، فرهاد (۱۳۹۶)، «نگاهی به جنگ سرد، عوامل، ماهیت ها و پیامدها»، ماهنامه پژوهش های تاریخی، اجتماعی و سیاسی، شماره اول، اردیبهشت ۱۳۹۶، صص ۱۱۶-۱۰۱.
- سایت تحلیلی خبری عصر ایران (۱۴۰۰/۲/۱۱)، «تاریخ تسلیحات جهان: تانک لیزری شوروی»، آدرس: <https://www.asriran.com/fa/news/782020>
- شولزینگر، رابرت (۱۳۷۹)، دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم: ۱۸۹۸-۱۹۹۷، ترجمه محمد رفیع مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- صرافی تبریزی، غلامرضا (۱۳۸۱)، «ناتو، گذشته، حال آینده»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۷-۱۷۸، خرداد و تیر، صص ۱۱۳-۱۰۰.
- عجیب ترین اختراعات نظامی شوروی سابق! (بی تا)، آدرس: <http://www.gunsmonitor.com/6744>
- غازی، ایران (۱۳۷۰)، «پژوهشی در توسعه اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی در آستانه دهه قرن بیستم»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۳، صص ۹۵-۷۶.
- غفاریان، سیروس (۱۳۷۳)، «بحران برلین، بحرانهای پس از جنگ جهانی دوم»، رشد معلم، ش ۱۰۴، ابان ۱۳۷۳، صص ۱۱-۶.
- فلینت، کالین (۱۳۹۰)، مقدمه ای بر ژئوپلیتیک، ترجمه محمد باقر قالیباف و محمد هادی پوینده، تهران: نشر قومس.
- فوتنن، آندره (۱۳۶۴)، تاریخ جنگ سرد، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. ج ۶، چاپ اول، تهران: نشر نو.
- قریشی، مهدی (۱۳۹۷/۱۰/۱۰)، «اروپا زیر چکمه های آمریکا»، خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی (آنا)، آدرس: <https://ana.press/fa/news/346110/32>
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۹)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، تهران، نشر قومس.
- لیتل. ریچارد (۱۳۸۹)، تحول در نظریه های موازنه قوا، ترجمه دکتر غلامعلی چگنی زاده، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- مجله ایرانی روابط بین الملل، (بی تا)، «جنگ سرد چگونه بوجود آمد»، آدرس: <https://iirjournal.ir/index.php/fa>
- محمدی، مسعود (۱۳۶۸)، «مسائل سیاست انرژی در اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی»، مجله گزیده مسایل اجتماعی و اقتصادی، ش ۹۱، خرداد ۱۳۶۸، صص ۱۱-۳.
- مشرق نیوز (۱۳۹۲/۱۰/۱۳)، «شوروی زیر تیغ غرب»، آدرس: <https://www.mashreghnews.ir/news/270567>
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریات روابط بین الملل، تهران: سمت.
- مصلى نژاد، عباس (۱۳۹۰)، «تحلیل سیلست موازنه قدرت در رهیافت های رئالیستی و نئورئالیستی»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، سال اول، ش ۱، صص ۱۵۸-۱۳۱.
- موسوی، سیدرسول (۱۳۸۳)، «تجربه خلع سلاح هسته ای قزاقستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۸، زمستان ۱۳۸۳، صص ۳۰-۱۳.
- موفقترین بمب افکن شوروی سابق و نیروی هوایی روسیه! (بی تا) آدرس: <http://www.gunsmonitor.com/9038>
- میرحیدر، دره (۱۳۷۵)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.

– ویکی پدیا، «نیروی دریایی شوروی» آدرس: <https://fa.wikipedia.org/wiki>.

- Bailey, Th. (1956). *The American Pageant :A History of the Republic* . Boston :Heath Company.
- Crochtt, R. (1994). *The Fifty YearsWar :The US and Soviet. Union in World Politic*, London:Rutledge.
- Delmas, C. (1961). *Armement Nuclaires et Guerr Froide*. Paris: Flommoron.
- Elman, C., & Mirim, F., E. (2003). Lesson From Lakatos in Elman , Colin & Mirim Fendius Elman, (eds) *Progrees in Internation Relations Theory*. Harvard University Press.
- Gangale, Th.(2003). *Alliance Theory: Balancing, Bandwagoning and Détente*, San Fracisco State University. International Relations.
- Goldstein, J., S. (1999). *International Relations*. New York: Longman.
- Lorilyn, B. (2001). *The cold war*, vol 5, New york Rutledge.
- Moore, E. (1982). 'The Modern Soviet Navy', in: *Soviet War Power*, ed. R. Bonds (Corgi1982)
- Priess, D. (1996). "Balance-of-threat theory and the genesis of the gulf cooperation council: An interpretative case study". *Security Studies*, 5(4), pp 143-171.
- Walt, S., M. (1985). "Alliance Formation and the Balance of World Power", *International Security*, Vol.9, No.4.
- Walt, S., M. (1987). *The Origins of Alliances*, Ithaca, NY: Cornell. University Press.
- Walt, S., M. (1990). *The Origins of Alliances* , Ithaca, NY: Cornell. University Press
- Walt, S. (1997). "The Progressive Power of Realism". *American Political Science Review*, 91(04), pp 931-935.
- Yale Journal (2010). "*Balancing Threat: The United States and the Middle East*". Retrieved 2019/08/14, Available at: [http://yalejournal .org/interview post/balancing thareat the united states and the middle east](http://yalejournal.org/interview post/balancing thareat the united states and the middle east).